



تعاون و تاثیر آن بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه

طاهره طهماسبی گنجور - فوق لیسانس پژوهش علوم اجتماعی
علی اکبر لبافی - لیسانس مدیریت دولتی

چکیده

در آغاز سده بیست و یکم، کشور ما با جوانی جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، نرخ بالای بیکاری بویژه بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه، افزایش سطح مشارکت اجتماعی و فقر مواجه است. کاهش نرخ بیکاری و ایجاد اشتغال بویژه برای جوانان و فارغ التحصیلان دانشگاهها یکی از دغدغه های مهم مردم و مسوولین کشور است. از سوی دیگر فرایند جهانی شدن از جمله مهمترین دگرگونی های اجتماعی است که در عصر کنونی به منصف ظهور رسیده است. در این فرایند ما نیز همچون سایر ملل، ناگزیر از حضور در بازارهای جهانی هستیم. این حضور نیازمند تجهیز ما از جهات مختلف است در غیر اینصورت در این جهانی شدن اقتصاد و بازارها تنها به عنوان عضوی وابسته و زاید به حیات خود ادامه خواهیم داد.

یکی از رهنمودهای کلی در جهت کاهش نرخ بیکاری، ایجاد اشتغال و مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و گسترش تعاونی هاست. توسعه فرهنگ تعاون، کارآفرینی و خویش فرمایی گروهی با توجه به روحیه گروه گرایی که در بین ایرانیان به چشم می خورد، راهی برای دستیابی به فعالیت های مولد و اشتغال زا و مهار بحران اقتصادی است. از سویی با این شیوه و با اتکا به توان علمی فارغ التحصیلان دانشگاهها و با توجه به روحیه گروه گرایی ایرانیان، خود را برای حضور در

بازارهای جهانی و گشودن مرزهای اقتصادی مجهزتر خواهیم کرد. در این مختصر، ضمن نگاهی گذرا به وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه در دهه اخیر، به ضرورت تشکل این گروه در قالب تعاونی خواهیم پرداخت.

هر موجودی برای سیر از نقصان به کمال ناگزیر از حرکت است و این حرکت نمی تواند بدون یاری موجودات دیگر حاصل شود. تعاون مفهومی اجتماعی است و بیانگر تلاش اجتماعی انسانها در جهت رفع نیازهای مشترک خود می باشد. بسیاری از دانشمندان معتقدند جامعه انسانی از هنگامی به منصف ظهور رسید که انسانها با یکدیگر به همکاری و تعاون پرداختند. بنابراین قدمت تعاون به اندازه قدمت تاریخ بشریت است. بنابر عقیده جامعه شناسان، انسانها در روابط اجتماعی دارای دو نوع کنش عمده هستند:

۱- کنش در جهت پراکندگی

۲- کنش در جهت به هم پیوستگی

اصطلاحاً کنش های نوع اول رقابت یا تنازع و نوع دوم تعاون و همیاری نامیده می شود.

دانشمندان علل متفاوتی را در بروز پدیده های بنام زندگی اجتماعی و تعاون در جوامع بشری دخیل میدانند، برخی معتقدند که این امر ریشه در طبیعت و سرشت آدمی دارد و حتی اگر تمام نیازهای انسان تامین شود و هیچگونه عامل خارجی او را به سوی

اجتماعی زیستن سوق ندهد، باز هم از درون به سوی زندگی اجتماعی کشیده می شود. این گروه منشأ تعاون را در جامعه عامل طبیعی و فطری میدانند.

بعضی دیگر از محققان و دانشمندان به عوامل بیرونی توجه می کنند و معتقدند در درون انسان هیچ عامل گرایش به جمع وجود ندارد و حتی گاهی فرد گرایش به زندگی انفرادی و گریز از اجتماع دارد. اما بنا به ضروریات و شرایط زندگی، انسانها مجبور به زندگی جمعی توأم با همکاری با یکدیگر هستند. هر انسانی برای تامین نیازمندی های خود ناگزیر از ارتباط و همکاری با دیگران است. ابن سینا ضمن اینکه معتقد است انسانها به دلیل تفاوت های فطری و طبیعی به یکدیگر نیاز دارند، کثرت و تنوع نیازهای بشری را نیز از عوامل موثر در ایجاد و توسعه تعاون و زندگی مشارکتی در جوامع انسانی می داند. بنابراین نیاز به تعاون و زندگی اجتماعی در میان اجتماعات انسانی روشن می شود. اما آنچه مهم بنظر می رسد اینست که طی اعصار گوناگون، شیوه های همکاری میان انسانها متفاوت بوده است. دیدگاه سوم هم عوامل درونی و هم عوامل خارجی را در اجتماعی زیستن و تعاون اجتماعی دخیل می داند.

یکی از رهنمودهای کلی در جهت کاهش نرخ بیکاری و ایجاد اشتغال مولد توسعه و گسترش تعاونی ها و حمایت موثر و اصولی از این بخش است. امروزه شاهد تشکل انواع گوناگون تعاونی ها

هستیم و اساساً تقسیم کار اجتماعی و بوجود آمدن تخصص ها، حرفه ها و مشاغل گوناگون در جوامع امروزی تصویری از تعاون در جامعه انسانی است.

تعاونی ها، نهادهای اصیل مردمی هستند که به عنوان یک ساختار و سازماندهی مردمی با هدف گردآوری سرمایه های مالی، فکری و تجربی پراکنده و تامین نیازهای مشترک، تشکیل شده و فعالیت می کنند و می توانند به عنوان عامل موثر و مطمئنی در جهت تحقق اهداف برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان عمل کنند.

یکی از ویژگی های بازار کار کشور ما، نرخ بالای بیکاری و روند رو به رشد نرخ بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاه است. این امر علاوه بر ایجاد نگرانی برای مسوولین کشور، سبب تغییرات ساختاری ریشه دار و عمیقی خواهد شد که اولین رد پای آن را در تغییر نسبت زنان و مردان پذیرفته شده در آزمونهای ورودی دانشگاهها طی سال های اخیر، به خوبی می توان مشاهده کرد. به نظر می رسد یکی از دلایل کم توجهی مردان به تحصیلات دانشگاهی در سال های اخیر، ناکارآمد بودن رشته های تحصیلی دانشگاهی در بازار کار و نیافتن شغل مناسب با تحصیلات است. مردان که از گذشته های دور نیز نقش نان آور خانواده را به عهده داشته و تحت هر شرایطی باید برای تامین معاش خود و خانواده خویش در پی یافتن شغل مناسب باشند، در برهه ای از زمان به تحصیلات روی آوردند و از این طریق در صدد ارتقای طبقه اجتماعی خود و دستیابی به شغلی مطلوب تر و مناسب تر از شغل پدران خود بودند. اما امروزه با خیل عظیم فارغ التحصیلان دانشگاه مواجه هستیم، کسانی که سال های مفید زندگی خود را که می توانست زمانی مناسب برای پایه ریزی اشتغال مطلوب در آینده شغلی آنها باشد، پشت میزهای دانشگاه سپری کردند با این امید که با تکیه بر دانش خویش به فعالیت اقتصادی پرداخته و علم و عمل را با هم هماهنگ نمایند اما کمتر به هدف خود دست یافتند. این امر در کاهش انگیزه ورود به دانشگاه و کسب تحصیلات دانشگاهی موثر بوده است. تغییر نسبت پذیرفته شدگان زن و مرد در دانشگاهها در دراز مدت سبب تغییرات ساختاری

مهم و مسایل و مشکلات تابعه خواهد شد. بنابراین رسیدگی به این مساله، رفع معضل بیکاری و کاهش نرخ آن در میان فارغ التحصیلان دانشگاه بسیار مهم و ضروری بنظر می رسد.

یکی از راههای عملی در جهت کاهش نرخ بیکاری به خصوص در میان قشر تحصیلکرده دانشگاهی، تعاون و همکاری میان افراد در قالب شرکت های تعاونی است. تعاونی ها در ایجاد اشتغال، کاهش نرخ تورم، توسعه مشارکتهای جمعی و تامین عدالت اجتماعی و اقتصادی نقش موثری دارند. در مقایسه با تشکلهای دولتی، تعاونی ها دارای بهره وری بیشتر و ضایعات کمتر هستند و در مقایسه با بخش خصوصی، از دموکراسی اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد برخوردارند. بنابراین در میان سه بخش تعاونی، دولتی و خصوصی، تعاون و شرکت های تعاونی می توانند بستر مناسبی برای اشتغال فارغ التحصیلان و جذب آنها باشند، زیرا قشر تحصیلکرده در جامعه معمولاً دارای سرمایه مالی اندک هستند اما با تکیه بر توان علمی، اطلاعات و آگاهی های خویش و از طریق روشهای علمی آموزش یافته، می توانند عنصر مثبتی در جهت توسعه، گسترش و کارایی بهتر و بیشتر شرکت های تعاونی باشند. ازسوی دیگر، گروهی از مردم نیز دارای مهارت و تجربه هستند اما هنوز به شکل سنتی کار می کنند و اکثراً با بازارهای جهانی، امکانات و تجهیزات عصر کنونی مثل کامپیوتر، اینترنت، ... بیگانه هستند. تلفیق و اجتماع میان علم فارغ التحصیلان دانشگاه، تجربه افرادی که به شکل سنتی کار می کنند و کمک ها و امکانات اقتصادی و بطور کلی سرمایه مالی حاصل از تشکیل تعاونی ها، علاوه بر دستیابی به اهداف خرد در سطح شخصی و در نهایت گروهی، امکان تحقق اهداف کلان از جمله افزایش بهره وری و رشد و توسعه اقتصادی را نیز فراهم خواهد نمود.

گریت هافستد (Hofsted, Greet)
 ۱۹۸۴ در رابطه با سنجش فرد گرایی و گروه گرایی در سطح ملی در مورد کارکنان ۵۰ کشور تحقیقی انجام داده است. بنظر این محقق فرد گرایی یعنی وابستگی کمتر در میان افراد، در فرد گرایی افراد

ترجیح می دهند که تنها غم خودشان را داشته باشند و گروه گرایی یعنی وابستگی های بیشتر در میان افراد خانواده و اعضای دیگر گروهها. نتایج حاصل از تحقیقات هافستد نشان می دهد که کشورهای توسعه یافته معمولاً دارای روحیه فردگرایی هستند و در کشورهای کمتر توسعه یافته روحیه گروه گرایی بیشتر حاکم است. در میان تمام کشورهای توسعه یافته فقط ژاپن از روحیه گروه گرایی بالایی برخوردار است. بر اساس نتایج این تحقیق رتبه ایران بسیار نزدیک به رتبه ژاپن است. به عبارت دیگر ایرانی ها دارای روحیه گروه گرایی و مشارکتی می باشند که در صورت آماده شدن شرایط محیطی از حالت بالقوه به فعل در خواهد آمد.

ازسوی دیگر ورود به بازارهای جهانی و رقابت با تولیدات خارج از مرزهای ملی، نیازمند تولید انبوه با کیفیت بالا و قیمت پایین است. اقتصاد جهانی از کشورهای هسته یا مرکز، نیمه پیرامونی، پیرامونی و عرصه بیرونی تشکیل شده است. به نظر والرستین، از قرن شانزدهم به بعد یک نظام جهانی شامل سلسله ارتباطات اقتصادی و سیاسی پدیدار گردیده که در سراسر جهان گسترش یافته و بر توسعه اقتصاد جهانی، سرمایه داری مبتنی است. در این اقتصاد جهانی، کشورهای هسته ای یا مرکزی کشورهایی هستند که موسسه اقتصادی مدرن، نخستین بار در آنها پدیدار گردید، سپس فرایندهای صنعتی شدن را طی کردند. این فرایند در آغاز در بریتانیا، هلند و فرانسه، سپس در جوامع دیگر واقع در اروپای شمال غربی مثل آلمان تحقق یافت. نواحی مرکز دارای صنایع تولیدی نو پدید و اشکال نسبتاً پیشرفته تولیدکشاورزی بودند و حکومت متمرکز داشتند. مناطق نیمه پیرامونی از طریق انواع مختلف روابط تجاری وابسته، به مناطق مرکزی پیوند داشتند اما از نظر اقتصادی نسبتاً در حالت رکود باقی ماندند. کشورهای منطقه پیرامون در اقتصاد جهانی از ارتباطات تجاری که توسط کشورهای منطقه هسته برقرار گردیده بود بر کنار مانده بودند. در نتیجه استعمار، و بعدها از طریق فعالیتهای

- شرکت های بزرگ، این مناطق به درون اقتصاد جهانی کشانده شدند.
- ملتهای جهان سوم، در حال حاضر پیرامون یک نظام جهانی بسیار فراگیر را تشکیل می دهند و ایالات متحده و ژاپن، بر هسته اصلی مسلط اند. از آنجا که کشورهای منطقه هسته بر نظام جهانی مسلط اند می توانند تجارت جهانی را به سود خود پیش ببرند. کشورهای جهان اول و مناطق هسته یا مرکزی از منابع کشورهای جهان سوم یا مناطق پیرامونی برای مقاصد خود بهره برداری می کنند. نظریه نظام جهانی یک اقتصاد متمرکز جهانی را توصیف می کند که کشورهای هسته، نیمه پیرامون. پیرامون و عرصه بیرونی را به هم پیوند می دهد. فرایندهای جهانی شدن از جمله مهمترین دگرگونی های اجتماعی هستند که در زمان کنونی رخ می دهند. آن نوع تحلیل هایی که خود را به بررسی جوامع منفرد محدود می کند بیش از پیش کهنه می شوند، بسیاری از مسایل بنیادی که زندگی انسانی را تحت الشعاع قرار می دهد مانند مسایل محیطی، لزوما بردی جهانی خواهند یافت.
- در این رهگذر ما نیز چاره ای جز حضور در بازارهای جهانی را نداریم، در غیر این صورت به عنوان عضوی وابسته به دیگرکشورها، ناچارهستیم به شکل زاینده ای به حیات خود ادامه دهیم. ورود به بازارهای جهانی به عنوان یک عضو مثبت و کارآمد و نه عنصری زاید و مصرفی، مستلزم آن است که در تمامی سطوح تولیدی، خدماتی، کشاورزی، صنعتی، ... به اطلاعات، علوم و فناوری های نوین و اندیشه های نو و پویا مجهز شویم.
- بنابراین با بسط و گسترش تعاونی ها، حمایت از آنها و فراهم کردن امکان فعالیت فارغ التحصیلان دانشگاه در این بخش، می توان:
- به تحقق اهداف برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در خصوص اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهها کمک کرد.
- از ظرفیتهای خالی و استفاده نشده بخش های مختلف اقتصادی به بهترین نحو استفاده کرد.
- نیروهای جوان و تحصیل کرده را به سوی تولید و اشتغال مطلوب هدایت کرد.
- نرخ بیکاری را در میان قشر تحصیل کرده دانشگاهی، کاهش داد.
- قابلیت ها و توانایی های مختلف و پراکنده افراد جامعه را هماهنگ و منسجم کرده و علم تحصیل کرده های دانشگاهی را با تجربه صاحبان فن، تلفیق نمود.
- به حرفه ای شدن، علمی شدن و تخصصی عمل کردن تعاونی ها کمک کرد و کارآیی و بهره وری تعاونی ها را افزایش داد.
- فرهنگ کارآفرینی، خویش فرمایی گروهی و تعاون را گسترش داد.
- و نهایتا زمینه را برای ورود به بازارهای جهانی آماده کرد.
- با توجه به آنچه عنوان شد و با عنایت به این که نیازهای امروز جوامع، همکاری جمعی را می طلبد، با گسترش فعالیت های بخش تعاون و توسعه همکاری میان اعضای شرکت های تعاونی و فارغ التحصیلان دانشگاهها، می توان به سوی حرفه ای شدن و تخصصی عمل کردن تعاونی ها، افزایش بهره وری، هدایت نیروها به سوی تولید و اشتغال مطلوب و مفید، کاهش نرخ بیکاری و فقر عمومی حرکت کرد. تعدادی از تعاونی ها با هدف تلفیق علم، تجربه و سرمایه تاسیس شده اند مثل تعاونی های خدمات بهداشتی درمانی با هدف ارایه خدمات بهداشتی و درمانی به مردم توسط پزشکان و پیراپزشکان یا تعاونی های تولید و پرورش گل و گیاه گلخانه ای با مشارکت فارغ التحصیلان دانشگاهها و روستاییان و با هدف تولید گل و گیاه برای مصارف داخلی و خارجی و ...
- به جز موارد مذکور هنوز بسیاری از تعاونی ها هستند که ظرفیت های خالی برای جذب فارغ التحصیلان دانشگاه را دارند که با شناسایی و گسترش فرهنگ مشارکت و کار گروهی می توان در جهت جذب این گروه در تعاونی ها گام موثر و مفیدی برداشت.